

رابطه استناد و نحوه تقسیم مسؤولیت در تصادم

مجتبی الهیان^{*}، جواد ریاحی^۱، علیرضا مختاری^۲

۱. استادیار دانشکده فقه و فلسفه، پردیس قم دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس قم دانشگاه تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز

(تاریخ دریافت: ۸۷/۵/۳۰؛ تاریخ تصویب: ۸۷/۸/۲۵)

چکیده

تصادم به دلیل ماهیت خاص آن که عملی دو سویه و دو جانبه است، دارای ویژگی‌های خاصی است، هم از جنبه نحوه مداخله عوامل و هم از جنبه تقسیم مسؤولیت. نحوه مداخله عوامل در تصادم به گونه‌ای است که هریک از تصادم‌کنندگان، در جنایت یا خسارتی که بر خودش و دیگری وارد می‌کند، مباشر است؛ اما در جنایت یا خسارتی که دیگری بر خودش و او وارد می‌کند، نقش سبب را بازی می‌کند. چنین تمایزی بین نقش‌هایی که هر یک از تصادم‌کنندگان در ایجاد جنایت یا خسارت ایفا می‌کنند، در چگونگی برقراری رابطه استناد مؤثر است. به طوری که تصادم، یکی از مصادیق اجتماع سبب و مباشر تلقی می‌شود و مطابق قاعده، در این حالت جنایت یا تلف مستند به مباشر است، مگر این که سبب اقوا از مباشر باشد. درباره نحوه تقسیم مسؤولیت ناشی از تصادم، قانون مجازات اسلامی شیوه تقسیم مسؤولیت به تساوی در بین عوامل را پذیرفته است که با وجود فواید آن، به دلیل نادیده گرفتن میزان تأثیر عوامل در تصادم در برخی از موارد ناعادلانه به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی:

تصادم، رابطه استناد، ضمان، مباشرت، تسبیب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Email: fasgharia@yahoo.com

۰۲۵۱۶۱۶۶۲۱۶

تلفن:

* نویسنده مسؤول:

مقدمه

یکی از ویژگی‌های بارز جوامع امروزی روند رو به رشد به کارگیری وسایل نقلیه زمینی، آبی و هوایی است که خود معلول توسعه روابط تجاری، گسترش فرهنگ توریسم و... است. یکی از تبعات گریزناپذیر چنین وضعیتی، بروز سوانح و حوادث ناشی از به کارگیری وسایل مذکور است که موجب بروز خسارات جانی و مالی فراوان شده است.

حقوق‌دانان چنین حوادثی را با توجه به کیفیت مداخله عوامل در ایجاد آن‌ها به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند که یکی از آن‌ها «تصادم» است. تصادم از ریشه «صَدَمَ» و از باب «تفاعل» است و در معنای آن آورده‌اند که تصادم یعنی «به هم کوفتن - بر هم زدن و با هم کوفتن و... به هم وا کوفته شدن؛ به هم وا کوفتن... خود را به یکدیگر زدن سواران» (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۵۹۲۳)؛ هم چنین گفته‌اند که «تصادم و نیز اصطدام در لغت به معنی برخورد دو نفر به یکدیگر است» (خاوری، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳)؛ در فرهنگ لغات عربی نیز در مورد مفهوم تصادم آمده است که تصادم «یعنی این به آن می‌زند و آن به این» (الافریقی، ۱۹۹۰، ص ۳۳۷).

بنابراین لازمه تصادم، اولاً برخورد دو شیء یا انسان با یکدیگر است و ثانیاً دو جانبه بودن و از هردو طرف بودن این برخورد است، به شکلی که برخورد از نیرو و حرکت هر دو جسم ناشی شده باشد؛ پس اگر یکی از اشیا یا افراد ساکن باشد یا حرکت او در جهت برخورد با دیگری نباشد (مانند اینکه از جلوی شیء دیگر و در امتداد آن یا به طور متقاطع با آن حرکت نماید) مورد از دایره شمول تصادم و احکام آن خارج بوده و مشمول عنوان تصادم نمی‌شود.

تشخیص رابطه استناد در تصادم و چگونگی تعیین مسئولیت برای عوامل دخیل در آن دارای پیچیدگی خاصی است که ناشی از ماهیت ویژه تصادم است. شناخت ماهیت، احکام و آثار حقوقی ناشی از تصادم، که یکی از موارد بارز اشتراک در جنایت و تلف است، می‌تواند در جهت پژوهش و تحقیق درباره سایر موارد و مصادیق اشتراک نیز مفید واقع شود.

قانون مدنی در باب «الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود» و در بحث «تسبیب» طی ماده ۳۳۵ حکم تصادم را، البته نه به صورت کامل، بیان نموده است. قانون مجازات اسلامی نیز در باب «اشتراک در جنایت» و در مواد ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷ به بیان احکام تصادم پرداخته است. هر چند که مقررات موجود در قانون مجازات اسلامی مفصل‌تر و کامل‌تر از ماده ۳۳۵

قانون مدنی است، اما در عین حال، درباره برخی از مسایل ساکت است؛ مسایلی که در کتب فقهی، یعنی منبع قوانین مذکور، به تفصیل بیان شده است.

در پژوهش حاضر تلاش شده است که با بررسی مواد قانونی، منابع فقهی و نظرات حقوق‌دانان چگونگی تشخیص رابطه استناد در تصادم و نیز نظریه‌های مربوط به تقسیم مسؤلیت ناشی از آن مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. از این رو، ابتدا به شناسایی اصطلاحاتی که آگاهی از معانی آنها در جهت تبیین موضوع مورد بحث لازم است، می‌پردازیم؛ سپس کیفیت مداخله عوامل و بعد از آن چگونگی برقراری رابطه استناد در تصادم را تبیین می‌کنیم و در نهایت، نظریه‌هایی که درباره نحوه تقسیم مسؤلیت در تصادم مطرح شده است را ارزیابی می‌کنیم.

تبیین اصطلاحات

بر اساس تقسیم‌بندی که فقها به عمل آورده‌اند، جنایت با ایجاد یکی از عوامل ذیل واقع می‌شود: ۱- علت؛ ۲- سبب؛ ۳- شرط (علامه حلی، ۱۴۱۸، ص ۵۳۸).

بدیهی است «جنایت» در این تقسیم‌بندی خصوصیتی نداشته و در کلیه جرایم مقید به نتیجه و نیز در همه مصادیق ایراد ضرر و زیان، مرتکب ممکن است با ایجاد یکی از عوامل مذکور، پیدایش نتیجه زیانبار را موجب شود. بنابراین مجرم گاه خود مستقیماً علت ایجاد نتیجه‌ی مجرمانه را فراهم می‌کند، که از آن به مباشرت تعبیر شده است و گاه به طور غیر مستقیم و با ایجاد سبب وقوع نتیجه، مرتکب جرم می‌شود که آن را تسبیب نامیده‌اند و در نهایت، در مواردی صرفاً شرایط تأثیر دو عامل اخیر را فراهم می‌کند (ریاحی، ۱۳۸۶، ص ۳۱).

از آنجایی که بدست آوردن درک صحیح از ماهیت تصادم، نیازمند آگاهی از معانی مباشر و سبب است، در این قسمت به تبیین این اصطلاحات می‌پردازیم.

الف- مباشر

مباشر را «ایجاد علت» گفته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ص ۴۳) و علت را چنین تعریف کرده‌اند: علت، هر امری است که از وجود آن وجود معلول و از عدم آن عدم معلول لازم آید، مانند قتل با شمشیر، کارد، چوب و خفه کردن با دست و نظیر آن، که همه اینها از مصادیق علت تام و مستقیم و بی‌واسطه یا قتل بالمباشره است (پاد، ۱۳۵۲، ص ۱۹۳). ماده ۳۱۷ قانون مجازات اسلامی در تعریف مباشرت آورده است: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود

جانی واقع شده باشد». منظور از عبارت «مستقیماً» در ماده مذکور، وقوع بدون واسطه فعل جانی نیست، بلکه مقصود وجود رابطه مستقیم علیت است، به طوری که جنایت مستقیماً از نفس فعل جانی ناشی شده و می‌توان گفت، نوعاً یا برحسب خصوصیت‌های مورد، تلف از لوازم آن کار است. به عبارت دیگر، مباشر کسی است که وقوع تلف عرفاً به نفس کار وی منسوب است و نه به اثر آن (صادقی، ۱۳۸۱، ص ۷۶). شاید بهترین و روشن‌ترین معیار مباشرت که هرگونه ابهام و پیچیدگی را رفع و از تداخل سبب و مباشر در تشخیص ضامن جلوگیری کند، ضابطه‌ای است که در جواهرالکلام آمده است^۱ و بر اساس آن «مباشر کسی است که نزدیک‌ترین علت قتل را فراهم می‌کند. بنابراین تزیق سم به بدن مجنی‌علیه یا خوراندن سم به او، بدون دخالت او در تناول آن، خراب کردن دیوار بر روی مقتول، در آتش انداختن و... قتل بالمباشره خواهند بود (صادقی، ۱۳۸۱، ص ۷۵).

ب - شرط

وقوع هر پدیده مجرمانه منوط به وقوع شرایطی است که زمینه‌های ارتکاب آن را فراهم می‌سازد، شرط هر چیزی است که تأثیر فعل جانی متوقف بر وجود آن است، اگر چه خود آن در وقوع جنایت دخالت ندارد، به عبارت دیگر، شرط آن چنان امری است که از عدم آن عدم وجود معلول لازم می‌آید، ولیکن از وجود آن وجود معلول (نتیجه زیانبار) لازم نمی‌آید (صادقی، ۱۳۸۱، ص ۷۶). علامه حلی شرط را چیزی می‌داند که تأثیر مؤثر منوط به وجود اوست، ولی در علیت دخالتی ندارد (علامه حلی، ۱۴۱۸، ص ۵۳۸). بدین ترتیب، وقوع نتیجه مجرمانه هیچ‌گاه نمی‌تواند محصول شرط باشد و اگر چه به انتفای شرط حدوث نتیجه مجرمانه نیز منتفی می‌شود، اما عرف هیچ‌گاه نتیجه حادث را به شرط مستند نمی‌کند.

ج - سبب

حقوق‌دانان اسلامی در تعریف سبب و تشخیص مصادیق آن معیارهای متفاوت و مختلفی را مطرح نموده‌اند. محقق حلی در مختصرالنافع سبب را چنین تعریف می‌کند: «سبب چیزی است که اگر نبود تلف حاصل نمی‌شد، ولی علت تلف چیزی غیر از سبب است» (محقق حلی،

۱. الظاهر ان المراد بها (ای بالمباشره) ایجاد اقرب العلل الی الزهوق ای المودیه الیه ابتداءً (النجفی، ۱۴۰۴، ص ۱۳).

۱۴۱۶، ص ۴۷۶). علامه حلی تسبیب را انجام عملی می‌داند که ملزوم علت است، مانند حفر چاه در ملک دیگری (علامه حلی، ۱۴۱۰، ص ۱۵۳) او در جای دیگر محتمل بودن وقوع نتیجه را از قیود تسبیب می‌داند.^۱

با توجه به تعاریف مختلفی که از سبب شده است می‌توان گفت: سبب عاملی است که از عدم آن عدم وقوع نتیجه مجرمانه لازم آید، ولی با وجود آن نیز وجود نتیجه لازم نمی‌آید، بنابراین گرچه آن عامل علت جرم نیست، اما مؤثر در وقوع آن است، مانند آلوده کردن غذای مجنی علیه به سم (صادقی، ۱۳۸۱، ص ۷۷). به این ترتیب، تسبیب یعنی ایجاد کاری که وقوع نتیجه مجرمانه عرفا به اثر آن کار منسوب است؛ برخلاف مباشرت که وقوع نتیجه عرفا به نفس کار مستند است. ماده ۳۱۸ قانون مجازات اسلامی در تعریف تسبیب مقرر داشته است: «تسبیب در جنایب آن است که انسان سبب تلف شدن یا جنایت بر ضد دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، به طوری که اگر نبود، جنایت حاصل نمی‌شد، مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند».

با دقت در تعاریف سبب و شرط روشن می‌شود که این دو قرابت و تشابه بسیاری با یکدیگر دارند، اما چنانکه در تعریف هر یک گذشت، شرط هیچ تأثیری در وقوع نتیجه ندارد، هر چند تأثیر مؤثر متوقف بر آن است، در حالی که سبب خود مؤثر در وقوع جنایت یا خسارت است؛ اما نه به صورت علت (صادقی، ۱۳۸۱، ص ۷۷). از این رو، در بررسی کیفیت مداخله عوامل در تصادم صحبتی از شرط نخواهد شد و مباحث حول محور مباشرت و تسبیب مطرح می‌گردد.

کیفیت مداخله عوامل در تصادم

همان گونه که پیش از این نیز عنوان شد، تصادم از مصادیق اشتراک در جنایت و اتلاف است. از این روست که قانون مجازات اسلامی مواد مربوط به تصادم را در باب اشتراک در جنایت آورده است. اشتراک زمانی قابل تصور است که عوامل مختلف در عرض هم باشند؛

۱. تسبیب ایجاد چیزی است که تلف یا آن به وجود می‌آید، ولی علت تلف چیز دیگری است، به شرط آنکه با سبب بتوان انتظار وقوع فعل را قصد نمود (علامه حلی، ۱۴۱۸، ص ۵۴۰).

بدین معنی که عوامل مذکور به طور هم زمان در وقوع جنایت یا خسارت مؤثر بوده باشند.^۱ سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با توجه به ماهیت تصادم و احکام آن - که در کتب فقهی و قانون مجازات اسلامی ذکر شده است - دخالت عوامل در تصادم از مصادیق مباشرت است یا تسبیب؟ در آثار فقها و مواد قانونی به این امر تصریح نشده است؛ لذا تنها به واسطه تحلیل حقوقی احکام مندرج در این آثار و قوانین می‌توان به این پرسش پاسخ داد.

در صورتی که هریک از عوامل را سبب جنایت و تلف بدانیم، نتیجه این می‌شود که اولاً در صورت عدم تقصیر اسباب ضمانی بر هیچ یک از آنان نیست، چرا که بر اساس مبانی فقهی شرط ضمان سبب این است که تقصیر کرده و به عبارت دیگر عدوانی باشد؛ ثانیاً، اگر فقط یکی از اسباب مقصر باشد، تنها او ضامن است؛ ثالثاً در صورتی که جنایت ناشی از تسبیب باشد، از دو حال خارج نیست یا عمدی است یا شبه عمدی و در هیچ حالتی جنایت به تسبیب نمی‌تواند از باب خطای محض و موجب تکلیف عاقله بر پرداخت دیه شود. این در حالی است که قانون مجازات اسلامی در موارد ۳۳۴، ۳۳۵ و ۳۳۷ فرض خطای محض بودن جنایت و در نتیجه ضمان عاقله را پذیرفته است. علاوه بر این ماده ۳۳۶ قانون مذکور نیز در مورد ضمان مالی در فرضی که هیچ‌کدام از طرفین تقصیری در وقوع تصادم نداشته باشند، هر دو را ضامن می‌داند، در حالی که اگر مداخله عوامل در وقوع خسارت در فرض مذکور به نحو تسبیب باشد، علی‌القاعده ضمانی در بین نخواهد بود؛ چراکه شرط ضمان سبب، عدوانی بودن اوست. بنابراین قانونگذار ضمان ناشی از تصادم را تنها از باب تسبیب ندانسته و در واقع، عرف نیز عمل تصادم‌کنندگان را صرفاً تسبیب نمی‌داند.

فرض دیگری که در این مورد قابل تصور است، مباشرت عوامل در ایجاد تلف و جنایت است. اگر نقش عوامل را صرفاً مباشرت در تلف و جنایت بدانیم، در این صورت، در هر حالتی

۱. در مقابل این فرض حالتی وجود دارد که از آن به اجتماع عوامل در طول هم یاد شده است. در این حالت عوامل مختلف یکی پس از دیگری در وقوع نتیجه اثر می‌کنند. بحث از این حالت از موضوع این نوشتار خارج است.

۲. به موجب ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند، کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگر باشد، ضامن خواهد بود مانند آن که یکی از دو نفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی به عهده حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگری غیر عدوانی باشد، فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود».

ضمان مستند به مباشران است، خواه هیچ‌کدام مقصر نباشند و خواه هر دو مقصر باشند یا تنها یکی از آنها مقصر باشد؛ چراکه در مباشرت اصولاً تقصیر، شرط رابطه استناد نیست و در صورت اجتماع مباشران به نحوه اشتراک در وقوع نتیجه زیانبار، این نتیجه به همه مباشران مستند خواهد بود. این در حالی است که به موجب ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی، در صورتی که تنها یکی از طرفین تصادم مقصر باشد، فقط او ضامن شناخته شده است.

بنابراین صرف مباشر دانستن عوامل در تصادم نیز صحیح نیست و نحوه مداخله عوامل در تصادم را به طرز صحیح مبرهن نمی‌کند و اگر طرفین تصادم را صرفاً اسباب حدوث نتیجه زیانبار تلقی کنیم و یا صرفاً مباشران تلف و جنایت بدانیم، نخواهیم توانست مواد قانونی و نظرات فقها را به درستی تحلیل کرده و نتیجه صحیحی به دست آوریم.

با دقت در نظریه‌های حقوق‌دانان اسلامی و مواد قانونی سابق‌الذکر این نتیجه به دست می‌آید که به دلیل ماهیت خاص تصادم، تحلیل موقعیت تصادم‌کنندگان در جنایت از ظرافت ویژه‌ای برخوردار بوده و فراتر از روابط ساده مباشرت و تسبیب است. در واقع، هریک از طرفین تصادم از طرفی مباشر و از سوی دیگر، سبب هستند؛ به این شکل که هریک از طرفین بالمباشره خسارت و جنایتی را به خود وارد می‌نماید و هم‌چنین بالمباشره خسارت و جنایتی را به طرف مقابل وارد می‌کند؛ زیرا خسارت و جنایت مذکور را مستقیماً به وجود آورده است و به عبارت دیگر، نزدیک‌ترین علت وقوع آن را فراهم کرده است. در عین حال، در خسارتی که دیگری به او وارد می‌کند، سبب است و هم‌چنین در خسارتی که دیگری به خودش وارد می‌نماید نیز سببیت دارد؛ زیرا زمینه تأثیر فعل طرف مقابل را فراهم کرده است و خود مستقیماً جنایت یا خسارت را به وجود نیاورده است، به طوری که اگر نبود، نتیجه زیانبار حادث نمی‌شد.

مطالب فوق را می‌توان در قالب یک مثال بیان کرد. فرض کنیم آقای «الف» در یک جاده دو طرفه مشغول رانندگی است. آقای «ب» که با خودروی خود در جهت مخالف آقای «الف» در حرکت است، ناگهان از مسیر منحرف شده و وارد باند مخالف می‌شود که در نتیجه آن، هر دو خودروی مذکور با سرعت زیاد به هم دیگر برخورد می‌کنند و یک تصادم را به وجود می‌آورند و طی آن هر دو راننده، یعنی «الف» و «ب»، به شدت مجروح می‌شوند. حال در خسارتی که بر هر کدام وارد شده است، هر دوی آنها به ترتیب زیر دخالت داشته‌اند:

«الف» در جنایتی که به خود وارد می‌کند، مباشر است؛

«ب» در جنایتی که به خود وارد می‌کند، مباشر است؛
 «الف» در جنایتی که به «ب» وارد می‌کند، مباشر است؛
 «ب» در جنایتی که به «الف» وارد می‌کند، مباشر است؛
 در عین حال،

«الف» در جنایتی که «ب» به او وارد می‌کند، سبب است؛
 «الف» در جنایتی که «ب» به خودش وارد می‌کند، سبب است؛
 «ب» در جنایتی که «الف» به او وارد می‌کند، سبب است؛

و در نهایت، «ب» در جنایتی که «الف» به خودش وارد می‌کند، سبب است.

بنابراین هر یک از طرفین در جنایتی که به خود و به دیگری وارد می‌کنند، مباشر هستند و در جنایتی که دیگری به او و دیگری به خودش وارد می‌کند، سبب می‌باشند. با روشن شدن نقش هر یک از عوامل مداخله‌کننده در تصادم، حال نوبت پاسخ دادن به این پرسش است که از نظر حقوقی مسؤولیت کیفری یا مدنی ناشی از جنایت یا ضرر برعهده کدام یک از عوامل مذکور است و به عبارت دیگر، نتیجه حادث، به کدام یک از عوامل مستند است.

رابطه استناد در تصادم

با عنایت به این که وجود یا عدم تعدی و تقصیر نقش مهمی در تشخیص رابطه استناد در تصادم دارد، مطالب این گفتار را در دو بخش دنبال می‌کنیم؛ ابتدا چگونگی برقراری رابطه استناد در حالتی که هر دو طرف مقصر باشند و نیز در حالتی که هیچ‌کدام مقصر نباشند، را بررسی می‌کنیم و سپس همین موضوع را در حالتی که تنها یکی از طرفین مقصر باشد، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

الف - تقصیر یا عدم تقصیر از جانب هر دو طرف

قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۳۶ در فرضی که هر دو سوار مقصر باشند، خسارت را به هر دو مستند دانسته و هر دو را ضامن می‌داند، هم چنین در مواد ۳۳۴، ۳۳۵ و ۳۳۷، هر چند اصطلاح «تقصیر» به کار نرفته است، اما جنایت شبه عمد مذکور در این مواد، در بیش‌تر موارد ناظر به فرضی است که تقصیری موجود باشد که در این حالت هم جنایت به هر دو مستند شده و هر دو ملزم به پرداخت دیه هستند. ماده ۳۳۵ قانون مدنی نیز در فرضی که تصادم ناشی از عمد یا مسامحه طرفین باشد، هر دو را مسؤول دانسته است.

این حکم بر مبنای نظرات فقیهان شیعه است. در تحریرالوسیله در این باره آمده است: «در صورتی که دو بالغ عاقل به هم بخورند و هر دو بمیرند، چنانچه هر دو قصد قتل داشته‌اند، این قتل عمد است. و اگر چنین قصدی نداشتند و کار طوری نیست که غالباً موجب قتل شود، شبهه عمد است و برای ورثه هر کدام نصف دیه او می‌باشد و نصف دیگر ساقط می‌شود و اگر هر دو پیاده باشند یا سواره و یا یکی سواره باشد و یکی پیاده، مساوی می‌باشند، و بر هر یک از آنها نصف ارش مرکوب دیگری است، در صورتی که با تصادم تلف شود» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ص ۳۶۷). فاضل هندی نیز در کتاب کشف اللثام حکم تصادم دو شخص را چنین بیان می‌کند که: «اگر دو شخص آزاد بدون قصد قتل به یکدیگر برخورد نمایند، برای ورثه هر کدام نصف دیه است و نصف دیگر ساقط می‌شود، به دلیل اینکه تلف هر کدام مستند به فعل طرف مقابل است» (فاضل هندی، ۱۴۲۴، ص ۲۹۰). در کتاب مبانی تکمله المنهاج نیز حکم تصادم به این شکل بیان شده است که: «اگر دو اسب سوار باهم برخورد نمایند و اسب‌ها بمیرند یا معیوب شوند، بر هر کدام از آنها نصف قیمت یا ارش اسب دیگری است» (الموسوی الخویی، ۱۴۲۲، ص ۲۸۳)؛ در مورد علت این حکم نیز گفته شده است: «این بدان دلیل است که تلف یا عیب مستند به فعل هر دوی آنها با هم است و طبیعتاً در این حالت هر کدام ضامن نصف [قیمت اسب] دیگری است» (الموسوی الخویی، ۱۴۲۲، ص ۲۸۳).

این در حالی است که بیش‌تر فقهای اهل سنت در این باب نظر دیگری دارند، چنان که گفته‌اند: اگر دو سوار یا اسب سوار یا ناخدا یا راننده اتومبیل یا دو پیاده یا یک سواره و یک پیاده با هم تصادم نمایند و بمیرند یا به سبب تصادم چیزی تلف شود، بر هر کدام از آنها طبق نظر حنفیه و حنابله خسارت طرف مقابل است... و در اطلاق هم بر هر کدام از آنها واجب است که ضرر دیگری را جبران کنند، به این دلیل که ضرر از مجموع فعل هر کدام از آنها و طرف مقابلش به وجود آمده است. فتوای مالکیه نیز در این مورد به همین ترتیب است، اما شافعیه مانند فقهای شیعه معتقدند که اگر دو اسب سوار یا پیاده یا کشتی به تفریط صاحبانشان یا به واسطه کوتاهی آنها در حفاظت از وسیله‌شان با هم برخورد نمایند، یا در حالی که قدرت بر کنترل آن دارند، آن را کنترل نمایند، بر هر کدام از آنها نصف قیمت چیزی است که از دیگری تلف می‌شود، به دلیل اینکه تلف به فعل هر دو حاصل می‌شود، یعنی هر کدام به فعل خود و دیگری تلف شده است، پس نصف آن هدر است و ضامن بر هر دو تقسیم می‌شود (الزحیلی، ۱۹۹۷، ص ۵۷۸۹).

در وضعیتی که هیچ‌کدام از دو طرف تقصیری نداشته باشند نیز قواعد مذکور در قانون مجازات اسلامی و نظرات فقیهان (اعم از فقهای امامیه و فقهای شافعی) نیمی از جنایت هر کدام را مستند به دیگری دانسته و نیم دیگر را مستند به خود شخص و هدر می‌دانند، البته این در صورتی است که تصادم خارج از اختیار طرفین و ناشی از علل قهری نباشد که در این صورت هم به حکم قانون^۱ و هم به فتوای فقها رابطه استناد بین فعل مرتکبان و نتیجه زیانبار قطع شده و هیچ‌گونه ضمانی در بین نخواهد بود.

با توجه به مطالبی که قبلاً ذکر شد، به نظر می‌رسد، که در این زمینه نظر فقهای شیعه و شافعی از صحت و دقت بیش‌تری برخوردار است؛ زیرا همانگونه که در بحث کیفیت مداخله عوامل در تصادم مشخص شد، هر یک از طرفین در خسارت یا جنایت وارد به خود و نیز در خسارت یا جنایت وارد به دیگری، به نحو مباشرت مداخله دارند، پس در صورتی که هیچ‌کدام مقصر نباشد یا هر دو مقصر باشند، به دلیل مباشرتی بودن نحوه مداخله هر دو و نیز به دلیل هم‌زمانی تأثیر فعل هر دو طرف در حدوث نتیجه، جنایت یا خسارت مستند به عمل طرف دیگر نیز هست و لذا وجهی برای استناد کل خسارت یا جنایت یک طرف به طرف دیگر وجود ندارد و بنابراین دلیلی وجود ندارد که هر کدام کل خسارت دیگری را بپردازد. در این مورد همان‌گونه که بیان شد، به دلیل این که عمل متصادمین از مصادیق مباشرت است، تقصیر یا عدم تقصیر ایشان تأثیری در ماهیت رابطه استناد و ضمان ناشی از آن نخواهد داشت.

ب - تقصیر از جانب یکی از طرفین

ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی در فرضی که فقط یکی از طرفین تصادم مقصر باشد، تنها او را ضامن دانسته است. هم‌چنین ماده ۳۳۵ قانون مدنی نیز در حکمی مشابه، مسؤولیت را متوجه کسی دانسته که تصادم در نتیجه عمد و مسامحه او اتفاق افتاده باشد. بنابراین قانونگذار در موردی که یکی از طرفین مقصر و دیگری غیر مقصر باشد، جنایت و تلف حاصله را تنها مستند به طرف مقصر می‌داند و طرف غیر مقصر به دلیل عدم استناد جنایت و تلف به او، مبری از مسؤولیت است. در کتاب مبانی تکمله‌المنهاج در این زمینه آمده است: «اگر اصطدام از یک

۱. به موجب تبصره ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی: «در صورتی که برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده‌ها باشد مانند آن که در اثر ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود، هیچ‌گونه ضمانی در بین نیست».

طرف باشد، یا تعدی از جانب او باشد، در این صورت ضمانی بر طرف مقابل نیست، بلکه ضمان بر مصطدم یا متعدی است» (الموسوی الخویی، ۱۴۲۲، ص ۲۸۴).

بنابراین در تصادمی که تنها یکی از طرفین مقصر باشد، تنها مقصر ضامن است. در اینجا ثمره تحلیل کیفیت مداخله عوامل در تصادم آشکار می‌شود؛ بنا بر مطالبی که در گفتار قبل مطرح گردید، اگر تنها به مباشرت تصادم‌کنندگان توجه شود، نتیجه این است که در این حالت به واسطه اشتراک، هر دو مباشر ضامن هستند، چه مقصر باشند، چه مقصر نباشند؛ اما همانگونه که گفته شد، مداخله متصادمین در تصادم تنها به صورت مباشرت نیست و هر کدام از عوامل علاوه بر مباشرت در بخشی از جنایت برخود و دیگری، در جنایتی که دیگری به مباشرت انجام می‌دهد، نقش سببیت را نیز ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، هر یک از طرفین تصادم در خسارتی که به خود و به دیگری وارد می‌کنند، مباشر و در خسارتی که دیگری به او و به خودش وارد می‌کند، سبب است؛ پس در نتیجه، اگر تنها یکی از طرفین مقصر باشد، کل جنایت یا خسارت وارد بر طرف مقابل، مستند به اوست، زیرا او در ایجاد جنایت یا خسارت مذکور دو نقش داشته است: یکی نقش مباشر و دیگری نقش سبب. در بخشی که مباشرت داشته، مسلماً نتیجه‌ی حادث مستند به اوست؛ زیرا در فرض اجتماع مباشر عدوانی با سبب غیر متعدی، نتیجه مستند به مباشر است.^۱

هم چنین در بخشی از نتیجه که سببیت کرده است نیز جنایت یا خسارت مستند به او (عامل عدوانی) خواهد بود؛ زیرا در این فرض، یکی از مصادیق اجتماع سبب عدوانی با مباشر غیر عدوانی واقع شده است که در نتیجه اقوا بودن سبب از مباشر نتیجه به سبب مستند شده و ضامن خواهد بود. بنابراین اگر «الف» و «ب» در اثر تصادم با هم مجروح شوند و فقط «الف» مقصر شناخته شود، چگونگی برقراری رابطه استناد در جنایت حاصله به قرار زیر خواهد بود: اولاً، در نتیجه زیانباری که «الف» مباشرتاً به خودش و به «ب» وارد نموده و «ب» نیز مسبب آن بوده است، به این دلیل که سبب، بی تقصیر و غیر عدوانی است، نتیجه تنها به مباشر «الف» مستند می‌شود و ضمانی بر سبب «ب» نیست؛

۱. به موجب ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است، مگر این که سبب اقوی از مباشر باشد». در ماده ۳۳۲ قانون مدنی نیز آمده است که: «هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسؤول است نه مسبب، مگر این که سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد».

ثانیا، در نتیجه زیانباری که «ب» مباشرتا به خودش و به «الف» وارد نموده است، به این دلیل که «الف» سبب مقصر (عدوانی) وقوع نتیجه بوده و اقوی از مباشر است، نتیجه فقط به سبب «الف» مستند شده و ضمانی بر مباشر «ب» نیست.

تقسیم مسؤولیت ناشی از تصادم

همانگونه که تشخیص رابطه استناد در تصادم - به دلیل ماهیت پیچیده آن - با دشواری‌های خاصی همراه است، تقسیم مسؤولیت ناشی از تصادم نیز یکی از مسایل بحث‌انگیز حقوق است که موجب بروز نظرات مختلفی از سوی حقوق‌دانان و فقها شده است. در گفتار حاضر، نظرات مذکور به تفکیک بررسی می‌شود. بدیهی است که بحث تقسیم مسؤولیت در تصادم، زمانی مطرح می‌شود که تلف و خسارت حاصله به هر دو طرف استناد داده شود، یعنی در فرضی که هر دو طرف مقصر یا بی تقصیر باشند؛ بنابراین در فرضی که تقصیر تنها از جانب یکی از طرفین باشد، با توجه به اینکه تلف و جنایت تنها به او مستند است، بحث از تقسیم مسؤولیت منتفی است.

الف) پرداخت خسارت و دیه طرف مقابل

از میان فقهای اهل سنت، حنفیه، حنابله و مالکیه معتقدند که «اگر دو سوار یا ناخدا یا راننده اتومبیل یا دو پیاده یا یک سواره و یک پیاده با هم تصادم نمایند و بمیرند یا به سبب تصادم چیزی تلف شود، بر هر کدام از آنها خسارت طرف مقابل است» (الزحیلی، ۱۹۹۷، ص ۵۷۸۹). ایشان در توجیه نظر خود گفته‌اند که مرگ هر یک از آن دو به فعل حریف او مستند است، زیرا فعل او فی نفسه مباح بوده است، و آن رفتن در راه می‌باشد، پس حق ضمان نسبت به خود او شناخته نمی‌شود، زیرا فعل او مباح بوده است، و اگر حق ضمان نسبت به فعل خود او اعتبار شود، پس در آنجا که کسی در چاهی بیفتد که در وسط راه عمومی ایجاد شده، باید نصف دیه در حق خود عابر اعتبار شود، زیرا می‌توان گفت، اگر راه رفتن او و سنگینی او نبود در چاه نمی‌افتاد. و فعل طرف مقابل او، اگر چه آن هم مباح است، ولی اباحه، مقید است به شرط سلامت دیگران. پس فعل طرف مقابل، به هنگامی که سبب تلف گردد، موجب ضمان خواهد بود (ادریس، ۱۳۷۲، ص ۱۵۶).

توجیه فوق از جهاتی قابل ایراد است. همانگونه که در تبیین ماهیت تصادم و کیفیت مداخله عوامل در وقوع آن مشخص گردید، تصادم امری دو جانبه و دو سویه است و خسارت

و جنایت وارد شده به هر یک از دو طرف ناشی از نیروی حرکت و فشار هر دو است، پس نمی‌توان کل تلف وارد شده به هر طرف را به دیگری نسبت داد و عرف نیز با توجه به ماهیت تصادم این امر را نمی‌پذیرد و مباح بودن یا نبودن نیز به نحو اطلاق باعث عدم انتساب تلف به او نمی‌شود. از سوی دیگر، قیاس تصادم با مثال چاه و عابر نیز قیاس مع الفارق است، چه اینکه مثال چاه و عابر از مصادیق اجتماع عوامل در طول هم است که در آن سبب متعددی و مباشر جاهل (غیرعدوانی)، یکی پس از دیگری در حدوث جنایت اثر داشته‌اند و با توجه به اقوی بودن سبب، جنایت به او مستند می‌شود. در حالی که در تصادم، هر یک از طرفین در عرض هم نتیجه‌ی زیان‌بار را به وجود آورده‌اند و مشخص است که مورد تصادم با این موضوع کاملاً متفاوت است.

ایراد دیگری که به این نظریه وارد شده است، از ناحیه عدم توجه به درجه تأثیر خطای طرفین است به این ترتیب که چون در این نظریه درجه تأثیر خطاها به حساب نیامده است، گاه باعث می‌شود تا راننده‌ای که تقصیر مهم‌تری مرتکب شده است، خسارت کم‌تری بپردازد (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۴۱۵).

ب) تقسیم کل خسارت به تساوی بین هر دو طرف

این نظریه از سوی فقیهان امامیه مطرح شده است. آنان بر این باورند که هرگاه عوامل متعدد به طور مشترک، صدمه یا خسارتی را ایجاد کنند، مسؤلیت جبران آن بدون توجه به میزان تقصیر یا تأثیر طرفین، به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود. البته آنان در صورتی که حادثه زیان‌بار به نحو «تصادم» واقع شود، قایل به تفصیل شده‌اند. فقهای امامیه در بیان مسؤلیت جبران خسارت وارده در تصادم، دو حالت زیر را از یک دیگر تفکیک کرده‌اند:

۱. اگر طرفین باعث ایراد صدمه و خسارت به نفس یا عضو یا وسیله نقلیه خود شوند؛
۲. اگر طرفین باعث ایراد صدمه و خسارت به نفس یا عضو یا مال شخص دیگری، مانند مسافران وسیله نقلیه، شوند.

در تحریرالوسیله در این باره آمده است: «اگر دو کشتی با هم تصادم کنند و آنچه که در آنها از نفس و مال هست، هلاک شود... پس برای هر یک از آنها بر عهده صاحبش نصف قیمت آن چیزی است که اتلاف نموده و بر عهده هر یک از آنها نصف دیه صاحبش (طرف مقابل) است، در صورتی که هر دو تلف شوند و بر عهده هر یک از آنها نصف دیه کسی است که در آنها (کشتی‌ها) تلف شود» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ص ۳۷۱).

در سایر کتاب‌های فقهی نیز در مورد حالتی که متصادمین مالک کشتی، خودرو و غیره باشند، با زمانی که این اشیا متعلق به غیر باشد، قایل به تفصیل شده‌اند. مثلاً صاحب کتاب مبانی تکمله‌المنهاج پس از آن که حکم ضمان هر یک از طرفین تصادم را نسبت به نصف قیمت یا ارزش اسب دیگری بیان می‌کند، این حکم را به شیوه زیر مقید کرده است: «این در صورتی است که اسب‌سوار مالک اسب باشد و اما در غیر این صورت [هر کدام] ضامن نصف قیمت هر دو اسب در برابر مالکان آن می‌باشند» (موسوی الخویی، ۱۴۲۲، ص ۲۸۳). در کشف‌اللثام نیز در مورد تصادم دو کشتی آمده است: «اگر دو کشتی با هم تصادم نمایند... اگر هر کدام از ناخدایان به طور کامل مالک کشتی و چیزهایی که در آن است باشند... بر هر کدام از آنها نصف قیمت کشتی طرف مقابل و اموالی که در آن بوده است، می‌باشد» (فاضل‌هندی، ۱۴۲۴، ص ۲۹۴).

در هر دو حالت فوق‌الذکر هر یک از طرفین تصادم در ایراد ضرر مشارکت دارند و نحوه مداخله با همدیگر در هیچ یک از دو حالت مذکور تفاوتی ندارد؛ یعنی هر یک از عوامل در عین حال که سبب است، مباشر نیز هست. اما مسؤولیت آنان در هر یک از حالات متفاوت است؛ زیرا در حالت اول زیان‌دیده - که یکی از تصادم‌کنندگان است - در ایراد خسارت به خود مشارکت دارد، در حالی که در حالت دوم زیان‌دیده - که در تصادم بی‌تأثیر است - هیچ نقشی در ضرر و صدمه‌ای که به او وارد شده نداشته است. قانونگذار جزایی ایران در تنظیم قواعد و مقررات باب ۶ از کتاب چهارم قانون مجازات اسلامی از تفصیل فوق‌الذکر تبعیت کرده است.

ماده ۳۳۶ قانون مذکور درباره تقسیم مسؤولیت در تصادم مقرر داشته است که هر کدام از طرفین ضامن نصف خسارت طرف مقابل است. در حالی که ماده ۳۳۷ همان قانون راننده هر یک از دو وسیله نقلیه را ضامن نصف دیه تمام سرنشینان دانسته است. نحوه نگارش مواد مذکور ممکن است، این تصور را ایجاد کند که مواد یاد شده با هم در تعارض هستند، زیرا به موجب یکی از آن مواد هر یک از عوامل منحصرأ ضامن نصف خسارت طرف مقابل و در مقرره دیگر ضامن نصف کل خسارت دانسته شده‌اند. اما با دقت و تدبیر در مبانی فقهی این بخش از قانون مجازات اسلامی می‌توان دریافت که اگرچه اطلاق ماده ۳۳۶ تنها هر کدام از رانندگان را به پرداخت نصف خسارت طرف مقابل محکوم نموده است، اما این حکم فقط در زمانی مطابق با قواعد مذکور در کتب فقهی است که دو راننده مالک اتومبیل (یا هر وسیله

دیگر) و اموال تلف شده باشند، در غیر این صورت، نیمی از خسارت وارد شده به مالکان جبران نشده باقی خواهد ماند.

بنابراین می‌توان چنین گفت که حکم ماده ۳۳۶ فقط ناظر به مورد غالب، یعنی حالت مالکیت متصادمین نسبت به وسیله نقلیه می‌باشد و در موردی که متصادمین مالک وسیله نقلیه نباشند، کل خسارت وارده بین هر دو تقسیم خواهد شد. به این ترتیب، تعارض بین دو ماده ۳۳۶ و ۳۳۷ نیز رفع می‌گردد، زیرا در فرضی که عده‌ای در دو وسیله نقلیه کشته شوند، با توجه به این که جان اشخاص متعلق به رانندگان نیست، هر دو راننده ضامن دیه کل سرنشینان هر دو وسیله نقلیه می‌باشند.

نظریه تقسیم کل خسارت به تساوی بین طرفین از جهاتی موجه به نظر می‌رسد، زیرا به طور قاطع ضمان طرفین را مشخص می‌نماید. اما در عین حال، نظریه مذکور از این جهت که به میزان تأثیر یا به عبارت دیگر، میزان مداخله طرفین در تصادم و نیز میزان تقصیر آنها توجه نکرده است، قابل انتقاد می‌باشد. قانون مجازات اسلامی نیز بر همین اساس توجه به میزان تقصیر را صریحاً نفی کرده است.

ج) تقسیم بر مبنای میزان تقصیر

نظریه دیگری که در مورد تقسیم مسؤلیت وجود دارد، تقسیم مسؤلیت بر مبنای میزان تقصیر است مثلاً «دادگاه‌های فرانسه مسؤلیت را به نسبت درجه تقصیر تقسیم می‌کنند، در کامن لو (در قوانین برخی از ایالات متحده آمریکا) و در آلمان (ماده ۲۵۴ قانون مدنی ۱۹۰۰) نیز خسارات به نسبت درجه تقصیر تقسیم شده است» (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۳۶۹). قانون مجازات اسلامی این نظریه را صریحاً رد کرده است و در ماده ۳۳۶ به صراحت مساوی یا متفاوت بودن تقصیر یکی از طرفین را در تقسیم مسؤلیت بی‌تأثیر دانسته است. البته در حقوق ما پذیرش این نظریه در برخی از قوانین سابقه دارد، به عنوان مثال، ماده ۱۶۵ قانون دریایی مصوب ۲ آبان ۱۳۴۲ مقرر می‌دارد: «اگر دو یا چند کشتی مرتکب خطا شوند، مسؤلیت هر یک از کشتی‌ها متناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سر می‌زند...».

نظریه تقسیم مسؤلیت بر مبنای تقصیر از این جهت قابل انتقاد است که از میان عوامل مؤثر در نحوه مداخله متصادمین در تصادم تنها به تقصیر آنها توجه نموده و سایر عوامل را نادیده گرفته است، هم چنین از این جهت که در این نظریه «مسؤلیت مدنی به عنوان مجازات تقصیر و به تناسب آن تقسیم می‌شود، قابل انتقاد به نظر می‌رسد» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۴۱۷).

د) تقسیم مسؤولیت بر مبنای میزان مداخله

برخی از حقوق‌دانان معتقدند که در تقسیم مسؤولیت ناشی از تصادم « عادلانه‌تر این است که دادگاه، نه تنها به کوچکی و بزرگی تقصیر؛ بلکه به تمام عوامل دیگری که در ایجاد خسارت و میزان آن مؤثر بوده است، توجه کند و هر کدام از دو طرف را به اندازه‌ای که ضرر زده است، مسؤول شناسد. به این ترتیب، معیار تعیین میزان مسؤولیت درجه تأثیر عامل در ایجاد حادثه زیان‌بار است و تقصیر به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل این تأثیر مورد توجه قرار می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۴۱۷). نمود عملی این نظریه را می‌توان در ماده ۱۴ قانون مسؤولیت مدنی مشاهده کرد، این ماده در مورد نحوه تقسیم مسؤولیت بین کسانی که با هم زیانی را وارد نموده‌اند، چنین حکم می‌دهد که «میزان مسؤولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک، از طرف دادگاه تعیین خواهد شد».

شایان ذکر است که موضوع مورد حکم در این ماده نیز مانند مورد تصادم اشتراک عوامل در ایجاد خسارت است. برخی از حقوق‌دانان معتقدند که تقسیم مسؤولیت در حقوق ایران بر مبنای همین نظریه است و مقررات قانون مجازات اسلامی مواد ۳۳۶ و ۳۳۵ «ناظر به موردی است که نتوان میزان تأثیر هر یک از اسباب را ثابت کرد» (قاسم زاده، ۱۳۷۸، ص ۳۶۸). در خصوص این نظر باید گفت که هرچند اصل تقسیم مسؤولیت بر مبنای میزان مداخله عوامل، امری منصفانه است، اما با مقررات قانون مجازات اسلامی همخوانی ندارد؛ زیرا مقررات مذکور به نحو اطلاق، مسؤولیت را به طور مساوی تقسیم کرده است و حتی ماده ۳۳۶ قانون مذکور تقصیر و درجه آن را، که یکی از مهم‌ترین ملاک‌های تشخیص نحوه مداخله عوامل در خسارت می‌باشد، در تعیین میزان مسؤولیت بی‌تأثیر قلمداد کرده است. بنابراین، با وجود این که تقسیم مسؤولیت بر مبنای این نظریه به انصاف نزدیک‌تر است، اما قانون مجازات اسلامی آن را نپذیرفته است.

نتیجه

تصادم یکی از مصادیق اشتراک عوامل مختلف در ایجاد جنایت است، به نحوی که دو (یا چند) عامل به طور متقابل موجب تلف یا جنایت می‌شوند. با دقت در نظریه‌های حقوق‌دانان اسلامی و مواد قانونی سابق‌الذکر این نتیجه به دست می‌آید که به دلیل ماهیت خاص تصادم، تحلیل موقعیت تصادم‌کنندگان در جنایت از ظرافت ویژه‌ای برخوردار بوده و فراتر از روابط

ساده مباشرت و تسبیب است. در واقع، هر یک از عوامل در تصادم، هم نقش سببیت و هم نقش مباشرت را ایفا می‌کنند؛ به این ترتیب که هر کدام از دو طرف در خسارتی که به خود و به دیگری وارد می‌کنند، مباشر و در عین حال، در خسارتی که دیگری به خودش و به او وارد می‌کند، سبب است. بر این اساس، در صورتی که هر دو عامل مقصر باشند و یا هیچ کدام مقصر نباشد، به دلیل مباشرتی بودن نحوه مداخله هر دو و هم زمانی تأثیر فعل هر دو طرف در حدوث نتیجه، جنایت یا خسارت مستند به عمل طرف دیگر نیز هست و از این رو، هر یک از طرفین ضامن نصف خسارت یا دیه طرف مقابل است و وجهی برای استناد کل خسارت یا جنایت یک طرف به طرف دیگر وجود ندارد.

اما اگر تنها یکی از طرفین مقصر باشد، کل جنایت یا خسارت وارد بر طرف مقابل، مستند به عامل عدوانی (مقصر) است، زیرا او در ایجاد جنایت یا خسارت مذکور دو نقش داشته است: یکی نقش مباشر و دیگری نقش سبب. در بخشی که مباشرت داشته، مسلماً نتیجه حادث مستند به اوست؛ چراکه در فرض اجتماع مباشر عدوانی با سبب غیر متعدی، نتیجه مستند به مباشر است. هم‌چنین در بخشی از نتیجه که سببیت کرده است، نیز جنایت یا خسارت مستند به او (عامل عدوانی) خواهد بود؛ زیرا در این فرض، یکی از مصادیق اجتماع سبب عدوانی با مباشر غیرعدوانی واقع شده است که در نتیجه اقوی بودن سبب از مباشر نتیجه به سبب مستند شده و ضامن خواهد بود.

حقوق‌دانان درباره نحوه تقسیم مسؤلیت ناشی از تصادم نظریه‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند که عبارتند از: پرداخت خسارت طرف مقابل از سوی هر یک از طرفین، تقسیم مسؤلیت به تساوی بین هر دو طرف، تقسیم خسارت بر مبنای میزان تقصیر و تقسیم خسارت بر مبنای میزان مداخله. قانون مجازات اسلامی از این میان، نظریه تقسیم مسؤلیت به تساوی بین عوامل را پذیرفته است. هر چند تقسیم مسؤلیت به این شیوه از جنبه‌های مختلفی مناسب به نظر می‌رسد، اما توجه به میزان تأثیر و درجه تقصیر عوامل، می‌تواند زمینه صدور احکامی را که به عدالت و انصاف نزدیک‌تر باشد، فراهم کند.

منابع و مأخذ:

۱. ادریس، عوض احمد (۱۳۷۲)، "دیه"، مترجم: علیرضا فیض، چ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. الافریقی، ابن منظور (۱۹۹۰)، "لسان العرب"، ج ۱۲، چ ۱، بیروت: دار صادر.
۳. امام خمینی، روح الله (۱۳۶۹)، "تحریر الوسيله"، ج ۴، مترجم: علی اسلامی، چ اول، دفتر انتشارات اسلامی.
۴. بهشتی، محمد (۱۳۷۰)، "فرهنگ صبا"، نشر صبا.
۵. پاد، ابراهیم (۱۳۵۲)، "حقوق کیفری اختصاصی"، ج اول، چ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
۶. خاوری، یعقوب (۱۳۸۴)، "واژه نامه تفصیلی فقه جزا"، چ اول، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، "لغت نامه دهخدا"، ج چهارم، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. ریاحی، جواد (۱۳۸۶)، "تفاهم عرفی در رابطه استناد"، پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
۹. الزحیلی، وهبه (۱۹۹۷)، "الفقه الاسلامی وادلته"، بخش ۶، چ ۴، دمشق: دارالفکر.
۱۰. صادقی، محمد هادی (۱۳۸۱)، "جرایم علیه اشخاص"، چ پنجم، تهران: میزان.
۱۱. علامه حلی (۱۴۱۸)، "قواعد الاحکام"، چ ۱، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۲. علامه حلی (۱۴۱۰)، "ارشاد الازهان الی احکام الایمان"، چ ۱، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۳. عمید، حسن (۱۳۶۵)، "فرهنگ عمید"، ج اول، چ دوم، تهران: امیر کبیر.
۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، "موجبات ضمان"، چ اول، تهران: میزان.
۱۵. فاضل هندی، (۱۴۲۴)، "کشف اللثام عن قواعد الاحکام"، بخش ۱۱، چ ۱، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۶. قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۷۸)، "مبانی مسؤولیت مدنی"، چ اول، تهران: دادگستر.

۱۷. قیاسی، جلال الدین (۱۳۷۴)، "تسبیب در قوانین کیفری"، چ اول، مدین.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، "الزامهای خارج از قرارداد"، چ اول، تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، "مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی"، چ اول، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. محقق حلی (۱۴۱۶)، "المختصر النافع"، چ ۲، قم: موسسه البعثه.
۲۱. مرعشی، سید محمدحسین (۱۳۷۶)، "دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام"، چ دوم، تهران: میزان.
۲۲. مرعشی، سید محمدحسین (۱۳۷۹)، "دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام"، ج دوم، چ اول، تهران: میزان.
۲۳. مرعشی، سید محمدحسین (۱۳۶۵)، "شرح قانون حدود و قصاص"، ج اول، تهران: وزارت ارشاد.
۲۴. الموسوی الخویی، سیدابولقاسم (۱۴۲۲)، "مبانی تکمله المنهاج"، بخش ۲ و ۴۰، قم: مؤسسه احیای آثار الامام الخویی.
۲۵. النجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)، "جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام"، ج ۴۲، چ ۶، تهران: المکتبه الاسلامیه.

